

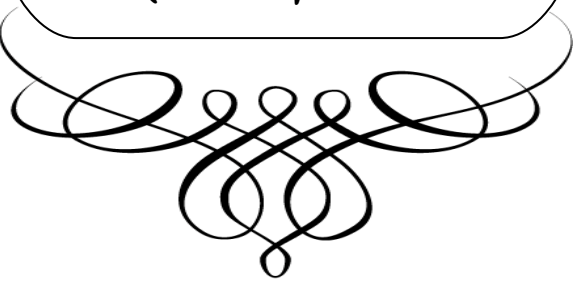


درس پانزدهم

خلاصه درس اول تا چهاردهم

(سوره مائده، آیات ۸۲ - ۱۲۰ و

انعام ۱ - ۳۶)





درس پانزدهم

آزمون اول - خلاصه درس اول تا چهاردهم

(سوره مائده: آیات ۸۲ - ۱۲۰ و انعام: آیات ۱ - ۳۶)

به لطف الهی در درس پانزدهم نگاهی گذرا داریم
به اهم مطالب تفسیری درس‌های اول تا چهاردهم
این مجموعه:

□ آیات ۸۲ تا ۸۶: یهودیان نسبت به مسلمانان

دشمنی شدیدی دارند؛ ولی مسیحیان به

مسلمانان از خود، «محبت و دوستی» نشان می-



دهند؛ زیرا در میان آنان افراد «قسیس و پاک» و «رهبان و گوشه گیر» وجود دارد که هرگز در برابر مسلمانان متکبر و مستکبر نیستند. روحیه عبادت و رهبانیت باعث رقت قلب آنان شده به گونه‌ای که برخی از آنان با شنیدن آیات قرآن و در حالی که اشک در چشمانشان جمع شده، خواهان گرویدن به اسلام می‌شوند. آنان به واسطه معرفتی که دارند، امیدوارند با صالحان محشور شوند و سرانجام هم به آرزوی خود می‌رسند و وارد بهشت الهی می‌گردند که پاداش همه نیکوکاران است. سرانجام در آیه ۸۶ به کفار و تکذیب‌کنندگان که نقطه



مقابل نیکوکاران و مشتاقان بهشت الهی هستند
 هشدار می‌دهد که به زودی از «اصحاب
 الجحیم» خواهند شد.

□ آیات ۸۷ و ۸۸: این دو آیه شریفه با خطاب به
 مؤمنان از آنان می‌خواهد از «افراط» و «تفریط»
 پرهیز کنند، چرا که خداوند متجاوزان از
 «حدود الهی» را دوست ندارد. در آیه نخست
 به عنوان مصداقی از حدود الهی از مؤمنان می-
 خواهد که «آنچه را خدا حلال کرده، حرام
 ندانند» و در آیه بعد دستور «اکل طیبات حلال»
 را صادر می‌کند.



□ آیه ۸۹: این آیه «سوگند خوردن» را به دو دسته تقسیم کرده است: دسته اول، سوگندهایی که مسلمانان از روی عادت و بدون اراده جدی بیان می‌کنند. دسته دوم، سوگندهایی که به صورت جدّی و با اراده بیان می‌گردد. دسته اول کفّاره شکستن قسم ندارد، و دسته دوم در صورتی که قسم شکسته شود، باید کفّاره آن [که اطعام ده فقیر یا پوشاندن ده فقیر است که اگر امکان نداشت باید سه روز روزه گرفته شود] داده شود. کفّاره، نوعی مجازات محسوب می‌شود.



□ آیات ۹۰ و ۹۱: حکم تحریم شراب، قمار، بت -

پرستی و چوب‌های شرط‌بندی را صادر و آنها را عمل شیطانی معرفی کرده و در آیه بعد به بیان حکمت حرمت «شراب و قمار» پرداخته و آن دو را باعث دشمنی، کینه، دوری از ذکر خدا و دورکننده از نماز دانسته است.

□ آیه ۹۲: از «خدا و رسولش»، هم اطاعت کنید

و هم از اندازهای‌شان بترسید. رسولان الهی وظیفه‌شان فقط «ابلاغ دستورهای الهی» است.

□ آیه ۹۳: کسانی که پیش از آمدن آیه تحریم

شراب و قمار، اهل آن دو بودند و از دنیا رفتند، گناهی بر آنها نیست و همچنین



مؤمنانی که مرتکب شدند و هنوز زنده هستند،
 آنها هم گناهی متوجه شان نیست، مشروط بر
 این که اهل ایمان، عمل صالح، تقوا و
 نیکوکاری گردند.

□ آیات ۹۴ تا ۹۶: این آیات، احکام مربوط به
 «صید در دریا و خشکی برای مُحَرَّم در حج و
 عمره» را بیان کرده است. در آیه نخست می-
 فرماید: وقتی محرم هستید و در راه مکه و
 حیوانات در دسترسی شما قرار می گیرند،
 بدانید که تحت امتحان الهی هستید؛ پس خدا
 ترس بوده و به غیب ایمان داشته باشید. آیه بعد
 می فرماید: اگر محرمی عمداً حیوانی را بکشد



باید حیوانی را به صورت « قربانی » به کعبه
برساند یا مساکینی را طعام دهد یا چند روز
روزه بگیرد تا عقوبتی باشد بر گناهش. در آیه
آخر در یک حکم کلی، صید کردن حیوانات
دریایی و خوردن آنها را برای شخص محرم،
حلال و صید حیوانات خشکی را حرام اعلام
کرده و در پایان، بار دیگر رعایت تقوا را
گوشزد می کند.



□ آیه ۹۷: در این آیه، چهار چیز به عنوان «قیاماً

للناس: به پاداشتن امور و مسائل مردم» معرفی

شده: ۱. کعبه؛ ۲. ماه‌های حرام؛ ۳. قربانی‌های

نشان‌دار (قلائد)؛ ۴. قربانی‌های بی‌نشان (هدی).

این امور نشان می‌دهد که خداوند به هر چیز

که در آسمان‌ها و زمین بوده و مورد نیاز

جسمی و روحی بشر است، آگاه است.

□ آیه ۹۸: خداوند هم «شدید العقاب» و هم

«بخشنده مهربان» است.

□ آیه ۹۹: وظیفه پیامبر اسلام ص ابلاغ احکام

الهی است و انسان‌ها با قدرت اختیارشان باید



راه خود را انتخاب کنند و البته خداوند از آشکار و نهان انسان‌ها آگاه است.

□ آیه ۱۰۰: ارزشمندی هر چیز (قدرت، ثروت، افکار و اندیشه، اخلاق، خوراکی، پوشیدنی و...) به پاکی آن‌هاست و گرنه، ناپاکی‌ها هر قدر هم که زیاد و چشمگیر باشد، بی‌ارزش است. فهم این حقایق، نیاز به خردورزی و اندیشمندی دارد.

□ آیات ۱۰۱ و ۱۰۲: در این آیات خداوند از مؤمنان خواسته از پرسش‌های بیهوده یا غیر ضروری که قرآن درباره آن‌ها سکوت کرده، بپرهیزند؛ چرا که آشکار شدن آن‌ها باعث



زحمت و سختی خودشان می شود؛ همان طور
که اقوام گذشته چنین کردند و سر از کُفر و
کفران نعمت در آوردند.

□ آیه ۱۰۳: این آیه به معرفی چهار حیوان با
ویژگی های خاص شان پرداخته که مردم عصر
جاهلی احترام خاصی برای آن ها قائل بودند و
آن را حکم خدا می دانستند. اما خداوند منکر
چنین احکامی شده است. حیوانات مذکور
عبارتند از: بحیره، سائبه، و صلیه و حام.

□ آیه ۱۰۴: این آیه مردم را به سوی حکم خدا و
رسول ص فرامی خواند، با این حال گروهی
سرباز زده و گفتند: مگر اعتقادات و اعمال



نیاکانمان چه ایرادی دارد که از آنها دست برداریم، این در حالی است که پدران‌شان هم جاهل و گمراه بودند. یکی از همین عقاید باطل پدران‌شان، مقدس شمردن چهار حیوان در آیه قبل است.

□ آیه ۱۰۵: این آیه ضمن هشدار به مؤمنان که باید از هدایت یافتگی خودشان مواظبت کنند، به آنها مژده می‌دهد که افراد گمراه قادر نیستند به آنها آسیبی برسانند و گمراه‌شان سازند؛ به شرط استقامت و استعانت از خداوند.

□ آیات ۱۰۶ تا ۱۰۸: مؤمنان لازم است قبل از مرگ، وصیت کنند و دو نفر از هم‌کیشان

عادل را به شهادت بگیرند و اگر نشد، از غیر هم‌کیش شاهد بگیرند. در این میان ممکن است میان ورثه و شهود اختلافاتی پدید آید که باید از «قسم خوردن» بهره برد. این آیات به برخی از جزئیات نیز اشاراتی دارند.

آیه ۱۰۹: آیه اشاره‌ای دارد به روز قیامت و پرسشی که خداوند از رسولان دربارهٔ عکس العمل مردم در قبال هدایتگری آنها از خودشان نشان داده‌اند. رسولان، پاسخ را به علم خدا برمی‌گردانند؛ چرا که او علام‌العیوب است. این حواله دادن (پاسخ به علم خدا)، هشدار است به مردم که بدانند خدای علام‌العیوب بر آنها نظارت می‌کند.



□ آیه ۱۱۰: خداوند در اینجا به چند نعمت خود

بر عیسی ع و مادرش اشاره کرده تا مورد یادآوری همگان باشد: ۱. سخن گفتن عیسی ع در کودکی؛ ۲. فراگیری کتاب و حکمت؛ ۳. دمیدن عیسی ع به کالبد گلی پرنده و زنده شدن آن؛ ۴. درمان کوری و پسی؛ ۵. زنده کردن مردگان؛ ۶. محفوظ ماندن عیسی ع از شرّ یهودیان. با این حال، برخی از کفار یهودی، معجزات عیسی ع را «سحر» می-دانستند.

□ آیه ۱۱۱: با شروع توطئه‌ها علیه حضرت عیسی

ع خداوند به حواریون آن حضرت (یاران



نزدیکش که ۱۲ نفر بودند)، الهام کرد که با
خدا و رسولش پیمان مجدد ببندند.

□ آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵: حواریون که هنوز در آغاز

راه هدایت و معرفت بودند به عیسی ع می-
گویند: آیا خدا می تواند مائده و غذای آسمانی
برای ما بفرستد؟ حضرت عیسی ع از نحوه
سخن آنان دلگیر شده و آنان را به تقوای الهی
فرا می خواند. حواریون که فهمیدند چگونگی
پرسش آنها زیر سؤال رفته، زبان به
عذرخواهی گشوده و گفتند: ما قصد جسارت
نداشتیم؛ هدف ما یافتن اطمینان قلبی - به خدا
و رسولش - ، کشف حقانیت دعوت تو و



همچنین شاهد شدن بر چنین معجزاتی است تا
به دیگران اطلاع دهیم.

□ در آیه ۱۱۴ حضرت دست به کار شده و
خودش با عبارتی منحصر به فرد و مؤدبانه
(اللهم ربنا) تقاضای نزول مائده می کند و در
پایان خدا را «خیر الرازقین» می خواند. در آیه
۱۱۵ خداوند ضمن قبول این تقاضا به شدت
هشدار می دهد که: هر کس پس از نزول مائده
به کفر (و کفران نعمت) روی آورد، به سختی
عذابش می کنم.

□ ۱۱۶ تا ۱۱۸: در صحنه قیامت، خدا از حضرت
عیسی ع می پرسد: آیا تو به مردم گفته بودی



که «خودت و مادرت» را پرستش کنند؟! و عیسی ع پاسخ می‌دهد: تو پاک و منزهی، اگر گفته بودم که خودت می‌دانستی. من هرگز نگفتم، بلکه آنها را به بندگی تو فرا خواندم. در آیه ۱۱۸، خدا را مالک بندگان در نظر گرفته که صاحب اختیار آنهاست؛ می‌تواند آنان را ببخشد و می‌تواند آنان را از روی حکمت و مصلحت، عذاب کند.

□ آیه ۱۱۹: در قیامت، صداقت پیشگان به پاداش صدق‌شان در دنیا می‌رسند.



□ آیه ۱۲۰: در خاتمه سوره مائده، خداوند را هم

«مالک آسمان‌ها، زمین و آنچه در آنهاست» و

هم «توانای بر هر کار» معرفی کرده است.

سوره انعام

پیشگفتار: سوره انعام در مکه «به صورت دفعی» نازل

شده و شصت و نهمین سوره قرآن است. هدف کلی

آن دعوت به «توحید، نبوت و معاد» است. از فضایل

این سوره، طلب آمرزش هفتاد هزار فرشته برای

خواننده آن است. فضایل قرائت سوره انعام باعث

شده مسئله ای به نام «ختم انعام» مطرح شود.



آیه ۱: این آیه به اثبات «توحید خالق» و «توحید ربوبی» پرداخته است؛ یعنی الله هم تنها خالق است و هم تنها تدبیرکننده امور.

آیه ۲: در آیه قبل سخن از «آفرینش جهان» بود و در این آیه، سخن از «آفرینش انسان» است که اولین آن بی واسطه خلق شد و نسل او از آب و خاک (گل). در آیه، به پایان عمر انسان هم اشاره شده است.

آیه ۳: نتیجه «خالق بودن الله»، «معبود شدن الله» می باشد و همان که خالق است، مدبر و مربی مخلوقات هم هست.

آیه ۴ و ۵: مشرکان به دلیل داشتن روحیه تکبر، حاضر به اندیشه درباره «خالقیت و ربوبیت خدا»



نیستند و پس از آن که از حق روی برگردانند، به تکذیب آن می پردازند و حتی مؤمنان را به استهزاء می گیرند.

آیه ۶: یکی از عوامل مهم انحراف سرکشان، «غرور» است، چرا که خود را بی نیاز از خدا می بینند. در گذشته، اقوامی چنین بودند که با وجود قدرت زیاد با عذاب الهی نابود شدند.

آیه ۷ تا ۹: این آیات به دو مورد از «بهانه گیری های» مشرکان حجاز پرداخته است. در آیه ۷ می گویند: چرا قرآن به صورت یک مجموعه نوشته شده روی کاغذ، نازل نشده؟ در آیه ۸ می گویند: چرا پیامبر را فرشته ای همراهی نکرده است؟ این در



حالی است که در صورت تحقق بهانه اول، خواهند گفت: این یک «سحر» است و در صورت تحقق بهانه دوم، حجت بر آنها تمام و عذاب نازل خواهد شد، ضمن اینکه اگر فرشته ای هم نازل کنیم، به صورت انسان می آید.

آیه ۱۰ و ۱۱: آیه اول اشاره دارد به سرنوشت شوم استهزاءکنندگان از اقوام گذشته و آیه بعد از مردم خواسته با سفر به نقاط مختلف جهان، از سرگذشت شوم اقوام گذشته عبرت بگیرند.

آیه ۱۲: بر «امکان» و «ضرورت معاد» دلیل آورده و خداوند را صاحب رحمت عام معرفی کرده است.



آیه ۱۳: خداوند علاوه بر آسمانها و زمین، مالک شب و روز هم هست، پس مالک همه مکانها و زمانهاست و ملکیت او اقتضا دارد که از آنها از طریق سمع و نظر آگاه باشد.

آیه ۱۴: انسان، حدوثاً و بقائاً محتاج است، آن هم به کسی که خودش محتاج نباشد. این آیه نهایتاً به اثبات ولایت «الله» و نفی ولایت «غیرالله» می رسد. در این آیه، پیامبر ص خود را اولین مسلمان در تمام عالم هستی معرفی کرده است.

آیات ۱۵ و ۱۶: سه مطلب آورده که دلالت بر «انحصار ولایت الله» دارد: ۱. عصیان الهی باعث عذاب است؛ ۲. تنها از خدا باید ترسید؛ ۳. فقط با



پذیرش ولایت الله از سختی های دنیا و آخرت می
توان رهید. آیه ۱۵ می رساند که رستگاری آشکار
آن است که عذاب از انسان دور شود و مورد
رحمت خدا واقع گردد.

آیات ۱۷ و ۱۸: قدرت بی نظیر خدا را بیان می کند
به گونه ای که اگر به کسی «ضرر» یا «خیر و نیکی»
برساند، هیچ کس توان برطرف کردن آن ها را
ندارد؛ زیرا او بر همه چیز احاطه دارد و آگاهانه و
طبق حکمت، به بندگانش زیان یا خیر می رساند.

آیه ۱۹: پیامبر ص با «جدال احسن» و نه «برهان» به
اثبات «توحید» می پردازد. در جدال، به جای برهان



از قسم استفاده میشود. ذیل آیه با عبارت «مَنْ بَلَّغَ»، قرآن را کتاب جهانی معرفی می کند.

آیه ۲۰: اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان)، پیامبر اکرم ص را با نام و اوصافش می شناختند، چنان که فرزندان شان را می شناختند.

آیه ۲۱: کسانی که «به خدا، خود و جامعه» ظلم می کنند، ظالم ترین انسان ها هستند.

آیات ۲۲ تا ۲۴: خداوند در قیامت از مشرکان و تکذیب کنندگان در باره «شریکان الله» می پرسد و آنها از روی عادت همیشگی شان به دروغ می گویند: ما مشرک نبودیم. خداوند هم باتوجه به این

صحنه به رسولش می فرماید: بنگر که چگونه به خودشان هم دروغ می گویند.

آیه ۲۵: کسانی که با اختیار خود، «گمراهی» را پذیرا باشند، خداوند هم آنان را رها می کند؛ پس خداوند از ابتدا وسایل هدایت را فراهم کرده نه ضلالت را.

آیه ۲۶: مشرکان، هم دیگران را از ایمان به قرآن نهی می کنند و هم خودشان از این کار فراری هستند.

آیات ۲۷ تا ۳۰: مشرکان لجوج وقتی در قیامت با «آتش دوزخ» مواجه می شوند، از «هول قیامت»، آرزو می کنند کاش به دنیا برمی گشتند و ایمان می آوردند! خداوند عالم خبر می دهد که اینان



دروغگو هستند؛ زیرا اگر برگردند، باز هم به «شرک» بر می گردند و دست به «انکار معاد» می زنند؛ با این حال همین مشرکان وقتی دربارگاه عدل الهی قرار می گیرند، همراه با سوگند به حقانیت معاد اعتراف می کنند.

آیه ۳۱: تکذیب کنندگان حق، با آغاز حالت احتضار، خسران خود را آشکارا می بینند و حسرت می خورند.

آیه ۳۲: «حیات دنیوی» در برابر «حیات اخروی»، بازیچه (لعب) و سرگرمی (لهو) است. برای کسانی که تقوا پیشه هستند، حیات اخروی بهتر از حیات دنیوی است که کوتاه مدت است.



آیه ۳۳: کسانی که دعوت رسولان را تکذیب کرده اند، در حقیقت، آیات الهی را به طور ظالمانه تکذیب نموده اند.

آیه ۳۴: در آیات «۳۳ تا ۳۶» خداوند در پی دلداری دادن به پیامبر ص است به سبب تکذیب، اعراض و تهمت های مشرکان و ظالمان. این آیه به پیامبرش نوید می دهد که در برابر رفتار آنها صبر پیشه کند، همان گونه که پیامبران گذشته صبر پیشه کردند و به نصرت الهی نایل شدند. این سنت خداست که پس از صبر، نصرت خواهد آمد.



آیه ۳۵: این آیه ثابت می کند که انسان موجودی مختار است، لذا می فرماید: اگر خدا بخواهد، می تواند همه مردم را هدایت کند.

آیه ۳۶: کسانی که «دل زنده اند» دعوت حق را می پذیرند، و گرنه «دل مردگان» گوش شنوایی ندارند، و روز قیامت شنوا خواهند شد که البته دیگر سودی نخواهد داشت.